

عوامل مؤثر بر هویت محله‌ای در شهر تهران

صمد محمدی‌زاده سماکوش^۱

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

حبیب صبوری خسروشاهی

عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مهناز رونقی نوتاش

عضو هیئت علمی گروه ارتباطات اجتماعی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۶/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۰۲

چکیده

این مقاله با هدف مطالعه عوامل مؤثر بر هویت محله‌ای در شهر تهران آغاز شد و رابطه متغیرهای سرمایه اجتماعی، سبک زندگی، اقتصاد سرمایه‌داری معاصر، فضای کالبدی، امنیت اجتماعی و ارتباطات از راه دور با هویت محله‌ای سنجش شد. چارچوب نظری این تحقیق بر اساس آرای ایمری و همکاران، چپ‌من، لوفور، جیکویز، هاروی، تی‌هال و جنکینز تنظیم و مدل نظری نیز ترسیم گردید. روش تحقیق، پیمایش و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه ساخت‌یافته بود. جمعیت جامعه آماری شامل محله‌های حصارک، وحیدیه و ولنجک، برابر با ۵۶۰۶۰ نفر بود و نمونه‌گیری با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۲ نفر برآورد شد. محقق برای پوشش دادن پاسخ‌های غیرمعتبر ۴۲۸ پرسشنامه توزیع نمود. داده‌های گردآوری شده در قالب آمار توصیفی، استنباطی و تحلیل مسیر تحلیل شدند. متغیرهای مستقل تحقیق به جز ارتباطات از راه دور رابطه معناداری با هویت محله‌ای در سطح اطمینان ۹۵ درصد داشتند. میانگین هویت محله‌ای در بازه ۱۱ تا ۵۵ در حصارک برابر با ۳۳/۸۰، ولنجک ۳۳/۱۴ و در وحیدیه ۳۱/۳۲ بوده است. تحلیل مسیر نشان داد از میان متغیرهای مستقل، سرمایه اجتماعی به میزان ۰/۵۵۵، سبک زندگی به میزان ۰/۴۷۰، اقتصاد سرمایه‌داری معاصر به میزان ۰/۲۳۹، امنیت اجتماعی به میزان ۰/۱۴۷، ارتباطات از راه دور به میزان ۰/۱۲۲ و فضای کالبدی به میزان ۰/۰۶۳ در سطح اطمینان ۹۵ درصد تغییرات هویت محله‌ای را تبیین نموده‌اند. به علاوه ۵۳/۶ درصد از تغییرات متغیر هویت محله‌ای به وسیله متغیرهای درون مدل تبیین گردید.

کلمات کلیدی: هویت محله‌ای، سرمایه اجتماعی، سبک زندگی، اقتصاد سرمایه‌داری معاصر، فضای کالبدی، امنیت اجتماعی

مقدمه

هویت هر آن چیزی است که انسان‌ها به واسطه آن‌ها خود را به دیگران می‌شناسانند و دیگران نیز از طریق آن یک فرد یا یک جامعه را شناسایی می‌کنند. هویت تا بدان حد مهم است که بدون تشخیص آن اعتماد، معاشرت، مبادلات و تعاملات در فرایند زندگی اجتماعی با چالش‌های جدی مواجه خواهد شد. انسان‌ها به واسطه تعیین هویت به نوعی ارزش‌گذاری می‌شوند به نحوی که پایگاه اجتماعی افراد در درون گروه به هویت فردی و بیرون از گروه به هویت اجتماعی آن‌ها وابسته است. کنش‌های متقابل اجتماعی انسان‌ها، بر مبنای هویت‌شان سامان می‌یابد. یکی از ابعاد مهم هویت، هویت مکانی و سرزمینی است. حتی امروزه بسیاری از افراد به واسطه هویت سرزمینی و ملی در صدد شناساندن و بازنمایی خویش و تامین اعتبار نزد دیگران هستند.

در جهان مدرن، انسان‌ها از مکان‌هایشان کنده شده و وابستگی‌های مکانی رنگ باخته است. اما کماکان افراد به واسطه ملیت، سرزمین و مکان زندگی، سعی در بازنمایی هویت خویش داشته و آن را دستمایه مباهات، اعتبار و اعتماد می‌سازند. محله یکی از واحدهای سرزمینی در مقیاس خرد است که هویت افراد و گروه‌های اجتماعی در آن است. به عبارتی هویت انسان‌ها از منظر مکان و در یک مقیاس خرد به هویت محله زندگی آن‌ها وابسته است. مدت‌هاست که تصدیق شد محله‌های مسکونی مختلف هویت‌های اجتماعی متفاوتی را به دست می‌دهند (Roberts, 1971; Harvey, 1973, 1992 in Robertson, Smyth and McIntosh, 2008, 2). لینچ محلات را به عنوان مناطق وسیعی که به دلیل برخورداری از برخی خصوصیات مشترک و خاص قابل شناسایی‌اند، تعریف می‌کند؛ به طوری که فرد به طور ذهنی ورود به آن را حس می‌کند (چپمن، ۱۳۹۴: ۱۹۰). رابرت پارک (۱۹۲۶)، یک محله را یک شبکه اجتماعی تعریف می‌کند که واجد هویت اجتماعی و مکانی است؛ قلمروی که دارای محدوده مشخص شناخته شده توسط ساکنان آن است. در چنین قلمروی تقابل رسمی و شناخت همسایگی رخ می‌دهد، استفاده روزانه خدمات محله توسط ساکنان و نیز آگاهی آنان در مورد تصویر محله به عنوان بخشی از هویت اجتماعی آن‌ها به مکان و فضا وابسته است (قاسمی و نگینی، ۱۳۸۹: ۱۲۲).

هویت محله در شهر تهران طی دهه‌های اخیر، تحت تاثیر توسعه شهری، مصرف‌گرایی، بیشینه سازی سود و اقتصاد سرمایه‌داری، تحول سبک زندگی، گرایش‌ها، مطالبات و علائق به شدت در حال تغییر شهروندان، تامین خشنودی‌های شخصی، فردگرایی، تحول سبک معماری و شهرسازی، رشد عمودی شهرها، افزایش تراکم ساختمانی و بهم ریختگی در توازن جمعیتی، غلبه ماشین بر خیابان و فقدان اقبال عمومی برای حضور در عرصه‌های شهری، افت شدید مناسبات همسایگی و کثیری از عوامل دیگر دچار تغییرات بنیادین گردیده است. به دنبال این وضعیت جدید و استحاله هویت واحد اجتماعی "محله"، فرایند جامعه‌پذیری یکی از پایه‌ای‌ترین گروه اجتماعی - گروه دوستان، همالان و بچه‌محله‌ها- که در کوچه و خیابان مشغول بازی گروهی، تجربه رفاقت و تمرین دوستی، سازگاری، فهم مشترک، رقابت، قهر و آشتی، کار جمعی، مسئولیت‌پذیری، رعایت سلسله‌مراتب، مشارکت، نقش‌گیری و پشتیبانی کردن و تحت حمایت قرار گرفتن بودند، دچار اختلال شده است. به عبارتی، با این تغییرات

جدید که در سازمان فضایی و اجتماعی محله‌های شهری رخ داد، مناسبات همسایگی کم‌رنگ شده و ای بسا در بسیاری از محلات به بوته فراموشی سپرده شده است.

پاره‌ای از این تحولات جدید که هویت گسترده‌های وسیعی از فضای اجتماعی محله‌های بافت‌های قدیم و مرکزی تا سکونتگاه‌های جدید پیرامون شهر را متأثر ساخت، محصول ازجاکنندگی، فاصله‌گیری از مکان و کنده شدن روابط اجتماعی از محیط‌های همکنشی و تجدید ساختار آن در پهنه‌های نامحدود زمانی- مکانی است که آنتونی گیدنز در باب جهان مدرن از آن سخن می‌گوید. این تغییرات در عین حال که گام‌هایی را برای میدان فردیت و آزادی‌های شخصی می‌گشاید، باعث تغییرات جدی در هویت محله‌ای، تبدیل آشنایان همسایه به همسایه‌گان غریبه، کم‌رنگ شدن روح گروهی، تقلیل مناسبات و حمایت‌های همسایگی، ترویج روحیه بی‌تفاوتی، بیگانگی و غریبگی، فقدان کنترل اجتماعی و ایجاد ناامنی در محیط زندگی، از دست رفتن حس تعلق به مکان و فروکاستن جوشش و نشاط جمعی می‌شود. ایمری و همکاران (۱۳۹۰) در کتاب نوسازی شهر لندن، به منظور ارایه یک تصویر روشن از هویت محله‌ای، طی مصاحبه‌ای با نیکولاس؛ یکی از اهالی داکنلد، بی‌روح بودن این محله را با زندگی در پارک ویوهاوس، که اطراف آن، خیابان، پارک، کافی‌شاپ، رستوران‌ها و بارها وجود داشت، مقایسه کرده‌اند (ایمری و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۵۴).

تنزل حس هویت محله‌ای در بافت‌های جدید شهر تهران، سبب انزوا، بی‌تفاوتی نسبت به همسایگان و تنزیل سرمایه اجتماعی شده و همچنین شرایط را برای بروز رفتارهای ضداجتماعی، رواج جرم، بروز بی‌بند و باری و نفوذ معتادین در محلات مسکونی تسهیل نموده است. ایمری و همکاران در لندن نشان داده‌اند همبستگی آماری بالایی میان سطح کلی رضایت ساکنان و احساس ایمنی آن‌ها در مکان‌های مشترک وجود دارد (همان، ۲۵۰). بی‌شک اضمحلال تدریجی شبکه اجتماعی دوستان در واحدهای همسایگی و ضعف بنیادهای هویت محله‌ای، تاثیر سازوکارهای غیررسمی در صیانت از هنجارهای اجتماعی، حسن اخلاق، رأفت، رعایت ادب، نزاکت، رفتار مناسب، احترام به بزرگان و ریش‌سفیدها و رعایت ارزش‌های والای انسانی را ابتدا در محلات و نهایتاً در کل جامعه به تحلیل می‌برد. بین آنومی و آشفتگی در هنجارهای اجتماعی و تقلیل سرمایه‌های اجتماعی یک رابطه دیالکتیکی وجود دارد. هنگامی که هنجارهای اجتماعی در محله‌های شهر شکسته می‌شود، مشارکت، اعتماد و سرمایه اجتماعی دچار چالش می‌شود و بالعکس رکود سرمایه اجتماعی و فقدان اجتماعات محله‌ای باعث بروز آنومی و ناامنی خواهد شد.

یکی از مهم‌ترین بخش‌های زندگی انسان خاطره‌های اوست و مهم‌ترین خاطره‌ها مربوط به دوران کودکی است که در کوچه و خیابان شکل می‌گیرد. این در شرایطی است که در بافت‌های جدید تهران "بچه محل" به واژگان غریبی بدل شده و از فرهنگ زندگی رخت بسته است. همکلاسی‌ها صرفاً از طریق فضاهای مجازی با هم ارتباط دارند و پس از مدرسه، در اوقات فراغت، برای بازی و تعمیق دوستی جایی برای ملاقات نمی‌یابند و وارد عرصه عمومی کوچه و خیابان نمی‌شوند. این اتفاق که دقیقاً در نقطه مقابل محله‌گرایی قد علم کرده و گریبان‌گیر پهنه‌های

وسعی از محلات شهر تهران شده، یک بحران اجتماعی به شمار می‌رود. از بین رفتن مرکزیت اجتماعی محلات و پاره پاره شدن روابط همسایگی و تبدیل کوچه و خیابان محله‌های تهران به پارکینگ اتومبیل‌ها، گواهی بر این مدعا است.

زیگموند باومن درباره انشقاق انسان‌ها از محیط زندگی‌شان در جوامع مدرن به نقل از گومپرت و دروگر می‌گوید؛ اکنون در بسیاری از نقاط جهان، هدف از وجود خانه‌ها حفاظت از ساکنان آن است نه ادغام مردم در اجتماعاتشان (باومن، ۱۳۸۴: ۴-۱۵۳). وی در باب عشق ورزیدن به همسایه می‌گوید، وقتی از خاخام هیلل، متخصص تلمود، خواستند عصاره تعالیم الهی را بیان کند، او "به همسایه‌ات عشق بورز" را به عنوان تنها پاسخ کاملی ارائه کرد که تمامیت فرمان الهی را در برمی‌گیرد. به عقیده باومن پذیرش حکم اخلاقی عشق ورزیدن به همسایه عملی است که انسانیت را به وجود می‌آورد. عشق ورزیدن به همسایه ممکن است مستلزم جهشی ایمانی باشد، ولی نتیجه این کار عبارت است از تولید انسانیت. این کار همچنین عبارت است از گذر سرنوشت ساز از غریزه بقا به اخلاق (همان، ۱۲۶-۱۲۵). دورکیم نیز ارتباط با دیگران را مورد ستایش قرار می‌دهد و بر این باور است، شخصیت انسان یک چیز مقدس است. نه باید به آن تجاوز کرد، نه باید مرزهایش را مورد تعرض قرار داد و در عین حال بهترین کار ارتباط با دیگران است (گافمن، ۱۳۹۵: ۸۰).

دور شدن از فضای معاشرت، صمیمت، روابط چهره به چهره، کاهش همبستگی محله‌ای، فروپاشی سازمان زندگی سنتی، خلاء ناشی از حمایت‌های همسایگان و تنزیل سرمایه اجتماعی، محله‌های تهران را به لحاظ هویت محله‌ای در معرض چالش جدی قرار داده است. همانگونه راب‌ایمری و همکارانش، با انعکاس مصاحبه یکی از ساکنان ساختمان تاپلوف از فروپاشی هنجارهای متداول سخن رانده‌اند و بی‌نزاکتی، بی‌مبالاتی در عرصه‌های عمومی، بروز رفتارهای ضداجتماعی، آشفتگی در هنجارها و افول سرمایه اجتماعی را در یکی از ساختمان‌های بلند شهر لندن نشان داده‌اند، در تهران نیز مبادله مواد مخدر در برخی از کوچه پس کوچه‌های شهر، اطراق معتادان و کارتن خواب‌ها در محله‌های مسکونی و بسیاری از رفتارهای نابهنجار و ضداخلاقی دیگر، نمونه‌هایی از این حوادث است که بسیاری از زنان و کودکان را در خانه‌هایشان به حصر کشانده است. مع‌الوصف فقدان روح جمعی، غریبگی، گسست روابط همسایگی و کمبود فضاهای شهری مناسب جهت اجتماع دوستان، عدم حس تعلق به مکان زندگی و ظهور سبک‌های جدید زندگی و ایضاً کاهش نظارت و کنترل اجتماعی در واحدهای همسایگی منجر به پیدایش گونه جدید از هویت محله‌ای شده است.

این ساخت جدید واقعیت اجتماعی از آنجایی اهمیت خود را بیشتر نمایان می‌سازد که دامنه آن به فضای محلات ختم نمی‌شود، بلکه در فرایند اجتماعی شدن چنان یک شیوه پرورش و آموزه رفتاری در ساختمان ذهنی کودکان و نوجوانان رخنه نموده و ای بسا در آینده‌ای نه چندان دور به واسطه درونی‌شدن، بازنمودهای آن به عنوان یک خصلت نهادی در تمام شئون حوزه‌های عمومی، در زندگی خانوادگی، مسئولیت‌پذیری، کار و فعالیت نفوذ کرده و با بدل شدن به یک پدیده اجتماعی همه‌گیر، سازمان اجتماعی شهر را با مخاطره جدی مواجه خواهد ساخت. در

عوض اگر هویت‌های جمعی و روح گروهی در گروه‌های نخستین در فضای محلات احیاء شوند، این الگوی رفتاری اجتماع‌گرا در مقیاس وسیع‌تر به تمام جامعه اشاعه پیدا کرده و فرهنگ کارگروهی، صمیمیت، همیاری، همدردی و فرهنگ دموکراسی در کل جامعه حاکمیت خواهد یافت. هدف این تحقیق، بررسی تاثیر متغیرهای سرمایه اجتماعی، سبک زندگی، فضای کالبدی، اقتصاد سرمایه‌داری معاصر، امنیت اجتماعی و ارتباطات از راه دور بر هویت محله‌ای است و پژوهشگر در صدد است تا به این سوال پاسخ دهد که هویت محله‌ای در شهر تهران چه میزان تحت تاثیر متغیرهای یاد شده هستند؟

روش تحقیق در این پژوهش، از نوع پیمایشی است و از پرسشنامه ه جهت جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. پرسشنامه این تحقیق با استخراج شاخص‌های هر متغیر از چارچوب نظری و تبدیل آن‌ها به گویه‌های متناسب در طیف لیکرت تنظیم شد. پس از بازدید میدانی از محلات مختلف شهر تهران و مشاهده تفاوت‌ها و تمایزات ویژگی‌های محله‌ای، سه محله ولنجک، وحیدیه و حصارک انتخاب شدند که دارای ویژگی‌های متفاوتی بودند. مجموع جمعیت محلات مورد مطالعه ۵۶۰۶۰ نفر بود. جامعه نمونه از طریق فرمول کوکران، ۳۸۲ نفر برآورد شد و برای پوشش دادن بی‌پاسخی‌ها، ۴۲۸ پرسشنامه توزیع شد. نمونه‌گیری به شیوه تصادفی ساده و طبقه‌بندی انجام گرفت. داده‌های این تحقیق پس از گردآوری، توسط نرم‌افزار آماری Spss تحلیل شد که پس از توصیف متغیرها، از ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی روابط بین متغیرها و از تحلیل مسیر، برای آزمون برازندگی مدل تحقیق استفاده گردید. گویه‌های مربوط به متغیر وابسته؛ هویت محله‌ای در جدول زیر به تفکیک شاخص‌ها آورده شده است:

جدول ۱. شاخص‌ها و گویه‌های متغیر هویت محله‌ای

تا چه اندازه نسبت به همسایه‌های خود شناخت دارید؟	شناختن و شناخته شدن
تا چه اندازه همسایه‌هایتان، شما را می‌شناسند؟	
چه تعداد از اهالی کوچه یا خیابانی که در آن زندگی می‌کنید را می‌شناسید؟	تعلق گروهی/ مکانی/ تاریخی
تا چه اندازه محله‌ای که در آن ساکن هستید را دوست دارید؟	
تا چه اندازه مایل هستید که دیگران، شما را به عنوان یکی از اهالی محله زندگیتان بشناسند؟	عضویت در گروه
تا چه اندازه در محله‌تان خاطره دارید و نسبت به تغییرات محل زندگی‌تان حساس هستید؟	
تا چه اندازه با همسایگان و اهالی کوچه، خیابان خود احساس هم‌محله‌ای بودن دارید؟	شباهت درون‌گروهی
تا چه اندازه احساس می‌کنید که عضوی از محله‌تان هستید؟	
تا چه اندازه احساس می‌کنید بین خانواده شما و همسایه‌هایتان شباهت وجود دارد؟	تفاوت میان‌گروهی
تا چه اندازه خود را عضو این محله و متفاوت از محله‌های مجاور می‌دانید؟	
تا چه اندازه احساس می‌کنید کوچه، خیابان و محله‌ای که در آن زندگی می‌کنید متعلق به خودتان است؟	باورها/ ارزش‌ها/ پنداشته‌ها

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶

چارچوب نظری

هویت اجتماعی متضمن درک چه کسی بودن خودمان و دیگران است. هویت فردی، تفاوت‌ها و هویت جمعی، شباهت‌ها را بیان می‌کند (جنکینز، ۱۳۸۱: ۷-۸). هویت جمعی وجوه مشترک باورها، پنداشته‌ها و انتظارات افراد برای تولید و بازتولید روح جمعی است. زمان و مکان نیز منبعی برای ساخت هویت اجتماعی می‌باشد (همان، ۱۳۸۱: ۶۶). تاجفل هویت را احساس تعلق به گروه خودی و مجزا شدن از غیرخودی می‌داند (Tajfel, 1978, 63). پیران تاریخت،

مکانیت، جمع‌گرایی، احساس تعلق گروهی، قبیله‌ای و خانوادگی را ابعاد هویت شهری می‌خواند (پیران، ۱۳۸۴: ۷-۹). هاروی شرط تخیل فضایی را رابطه میان فرد، محله و سرزمین دانسته و به قول مردم کوچه و بازار درک "بچه کجاست" می‌داند (هاروی، ۱۳۷۶: ۲-۴). چپ‌من، هویت محله را به ویژگی‌های توپوگرافیک، دوره‌های تاریخی توسعه، نوع و مصالح ساختمان، یا ترکیبی از این‌ها پیوند می‌زند. باندز، سبک زندگی، شکل و محل سکونت را بازتاب‌دهنده ابراز هویت می‌پندارد (چپ‌من، ۱۳۹۴: ۱۹۱).

هانیفان سرمایه اجتماعی را به زندگی روزانه مردم حاوی معاشرت، هم‌فکری، هم‌دردی و دادوستدهای اجتماعی پیوند می‌زند (براتی و یزدان‌پناه شاه‌آبادی، ۱۳۹۰: ۲۸). کلمن سرمایه اجتماعی را مبتنی بر همکاری، اعتماد و ارزش‌های مشترک می‌داند (فیلد، ۱۳۹۲: ۱۹۳) از منظر بورديو و کلمن سرمایه اجتماعی به واسطه شبکه پایداری از روابط نهادی شده، رفاقت و شناخت حاصل می‌شود (همان ۹۵). مقیاس سرمایه اجتماعی در تبادل اطلاعات از گروه‌های کوچک تا تمامی یک ملت است (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۳). سرمایه اجتماعی با "شبکه اجتماعی" و "هنجارهای متقابل" مربوط به آن‌ها مشخص می‌شود و خطوط سرمایه اجتماعی، سلامت دموکراسی‌های ما و اجتماعات ما و خودمان را تحت تاثیر قرار می‌دهد (Putnam 2002, 6, 8 in Abell, 2010, 49). خیابان‌ها و فضاهای عمومی فرصتی برای شکل‌گیری سرمایه‌ی اجتماعی هستند (جیکوبز، ۱۳۹۲: ۲۱۳) و فضاهای جذاب و لذت‌بخش اجتماعی بودن را تشویق می‌کنند (چپ‌من، ۱۳۹۴: ۱۷۵). هاروی در مقابل پویش‌های غیرانسانی بازار "تهاتر" را یک نیروی متعادل‌کننده در تحکیم روابط همسایگی معرفی می‌کند و اتومبیل را باعث محرومیت از تماس با دیگران تشخیص می‌دهد (هاروی، ۱۳۷۶: ۲-۳۴۱ و ۱۲۸). ایمری و همکاران مجردها و زوج‌های جوان را عامل کاهش حس تعلق به مکان و مشارکت داشته و افزایش سطح پیاده‌روی را سبب تعاملات اجتماعی و حس هم‌محله‌ای بودن می‌دانند (ایمری و همکاران، ۱۳۹۰: ۲-۲۸۱).

بورديو تنوع "سلیقه" را باعث وحدت افراد دارای ترجیحات مشابه و تمایز ترجیحات متفاوت می‌داند و از تحمیل سلیقه افراد طبقه فرادست سخن می‌گوید (ریتزر، ۱۳۹۳: ۷۱۴). به باور باومن فردستان خود را به محلی که در آن ساکن هستند، متعلق نمی‌داند، اما طبقه فرودست جامد و محکم در امور محلی متمرکزند و محکوم‌اند که محلی باقی بمانند (باومن، ۱۳۸۴: ۵-۱۵۴). پیتر هال از همجواری برخی از ملت‌ها برای پایه پایگاه و وضعیت اجتماعی و از همبستگی برخی دیگر مانند کرانه‌های دریای مدیترانه با ترکیب پیچیده‌ای از فرهنگ‌ها سخن می‌راند. از نگاه او طراحی شهر ملهم از فرهنگ‌ها و سبک زندگی بوده و از این منظر شهرهای شعاعی اجتماع دوست و سیستم شبکه‌ای اجتماع‌گریز است (هال، ۱۳۹۳: ۳-۱۷۲). چپ‌من درون‌گرایی، مهم نبودن ظاهر خانه‌ها، چسبیده بودن خانه‌ها حول حیاط مرکزی و مرمت تدریجی ساختار موجود بدون نوسازی را ملهم از قوانین و سنت‌های مذهبی دنیای اسلام توصیف می‌کند. به زعم او خیابان‌ها و میادین که در گذشته مکانی برای دور هم جمع شدن بودند، اکنون عامل تقسیم‌کننده جامعه می‌باشند (چپ‌من، ۱۳۹۴: ۷۴). لوفور سرمایه‌داری و مدرنیته را موجب تغییر محل پذیرایی مهمانان از خانه به کافه می‌داند (لوفور، ۱۳۹۱: ۱۶۸).

شوالباخ تعداد طبقات، فرم بنا، شکل سقف، سن بنا، سیستم دسترسی، توپوگرافی، کاربری زمین و نحوه توسعه شهر را ویژگی‌های کالبدی-فضایی معرفی می‌کند (شوالباخ، ۱۳۹۶: ۸-۹۲) طراحی شهری می‌تواند باعث اجتماع‌گرایی گردد و در مقابل می‌تواند تفرد و جدایی را در شهر ترغیب نموده به دنبال آن مانع از ایجاد مناسبات اجتماعی و کاهش سرمایه اجتماعی گردد (هال، ۱۳۹۳: ۲۰۷). هاروی نیز محلات کوچک را با فرض ثابت بودن سایر عوامل مشارکت‌پذیر ارزیابی می‌کند (هاروی، ۱۳۷۶: ۸۹). به باور جیکوبز تبدیل ساختمان‌های چهار تا پنج طبقه به خانه‌های کوچک یک تا دو خانوار به عنوان تغییری در راستای بازی بچه‌ها و معاشرت است (جیکوبز، ۱۳۹۲: ۹-۸). پارک‌ها، میداين و ساختمان‌های عمومی موقعیت عمل جمعی محلات را ارتقاء می‌دهند، تنوع کاربری در محله‌های شهر مردم را به خیابان و فضاهای عمومی می‌کشانند، بلوک‌های دراز شرقی-غربی مانع برخورد مردم در مسیرهای مختلف می‌شوند و محلات پیشاپیش یکسان‌سازی شده در خانه‌های چهار تا پنج طبقه فاقد دامنه خوبی از تنوع است (همان، ۱۳۹۲: ۱۵). او با تاکید بر انقطاع بصری، قطع دید عمق قابل رویت و تقویت کاربری‌های شهری، خیابان‌های قدیمی با الگوی بی‌قاعده را واجد این ویژگی‌ها می‌داند (همان، ۱۳۹۲: ۳-۴). محله با قابلیت پیاده‌روی بی‌خطر، خدمات خوب توام با کیفیت، یک تجربه مثبت از قدم زدن را تولید می‌کند. تجربه مثبت بدین معنی که خیابان و مسیرهای پیاده، راحت و جذاب باشد (Talen & Koschinsky, 2001, 43). توسعه بازارهای جدید مسبب از بین رفتن تاریخ و نوستالوژی اجتماعات محلی است (ایمیری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱-۳۹۰) و مراکز خرید بزرگ شهر، کمر مراکز خرید سنتی را شکستند (فیسک در باندز، ۱۳۹۴: ۱۶۴).

سوداگری عامل تخریب پیش‌رس ساختمان‌ها، قبل از کهنگی و از کارافتادگی می‌باشد (شالین، ۱۳۷۲: ۱۲۰). با کاهش ارزش اضافی بخش صنعت، قسمتی از آن از طریق بورس‌بازی، ساختمان‌سازی و معاملات املاک رشد می‌کند. تخریب بناها در اقتصاد کلانشهرها تنها یک احساس فرهنگی تجددخواهی و علاقه به ساختمان‌های جدید نیست بلکه یک کنش اقتصادی است. کارخانجات اتومبیل‌سازی با حفظ و گسترش تقاضای موثر، موجب افزایش تقاضا برای اتومبیل‌ها گردیده‌اند (هاروی، ۱۳۷۳: ۲۹۰). به باور لوفور، فرهنگ ماشین و هجوم گسترده آن، شهر را استثمار و زندگی روزمره را تسخیر نموده است (فاضلی، ۱۳۹۳: ۲-۵۵۱).

ویور امنیت اجتماعی را توانمندی جامعه برای مراقبت از خصوصیات و ویژگی‌های بنیادین خود در شرایط تهدیدات عینی و احتمالی تعریف نموده و بر ارتباط نزدیک میان هویت جامعه و امنیت تاکید داشته و خاطر نشان می‌کند جامعه، امنیت هویتی‌اش را می‌طلبد (نویدینیا، ۱۳۸۲: ۶۲ در محسنی، ۱۳۸۹: ۵). امنیت پیاده‌راه و فضاهای عمومی از بنگاه‌های اقتصادی نظیر مغازه‌ها با ترکیب خوبی از ساختمان‌های قدیمی و کسب‌وکارهای متنوع تقویت می‌شود (جیکوبز، ۱۳۹۲: ۳۷-۳۵) و فقدان کاربری‌های متنوع در یک محله شهری مخرب، مایه تیرگی، دلمردگی و "کپک کبیر" است (همان، ۲۵۳-۲۴۹). امنیت خیابان محصول شبکه پیچیده و تقریباً ناخودآگاه از نظارت داوطلبانه است که توسط مردم حفظ و تقویت می‌شود (باندز، ۱۳۹۴: ۱۷۱). در عین حال، ساختمان‌های بلند نظارت بر کودکان را هنگام بازی در خیابان دچار نقص می‌کند (جیکوبز، ۱۳۹۲: ۴۳۵) و تغییرات جمعیتی و دگرگونی در کاربری زمین

باعث ناامن شدن محلات می‌شود (باندز، ۱۳۹۴: ۹-۱۷۸). فرانکلین در واکنش به جامعه ریسکی که اولریش بک، گیدنز و باومن از آن سخن می‌گویند، احیای نهادهای قدیمی مانند خانواده و محلات را پیشنهاد می‌کند (چپمن، ۱۳۹۴: ۲۸۰-۲۷۸). ولمن و دیگران با اشاره به تاثیرات دو پهلوئی اینترنت، مدعی هستند، اینترنت برای آن‌هایی که روابط بادوامی دارند، وسیله تعقیب روابط اجتماعی است و برای کسانی که در آن غوطه‌ور می‌شوند به کاهش مشارکت منتج می‌شود (باندز، ۱۳۹۴: ۳-۲۸۲). روابط متقابل در خیابان‌ها و فضاهای عمومی کمتر می‌تواند تبدیل به امری از راه دور شود. میچل معتقد است اینترنت، مفاهیم دریافتی‌مان از جامعه محلی را بازتعریف نموده، هندسه را منتفی ساخته و ضدفضایی است (گراهام و ماروین، ۱۳۹۲: ۵۳ و ۹۰). تافلر جامعه کلبه الکترونیکی را مستغنی از روابط چهره‌به‌چهره نمی‌داند (همان، ۹۰-۸۶). به اعتقاد مورداک تلفن عامل پیوندهای دوستانه است، تلویزیون "مراسم و شعائر" گردهم‌آیی‌های اجتماعی را پشتیبانی می‌کند و بازی‌های کامپیوتری موجب ظهور انزوای اجتماعی می‌گردد (همان، ۷۲-۱۶۹). متغیرهای مستقل و وابسته این تحقیق در چارچوب آرای ایمری و همکاران، چپمن، جیکوبز، هاروی، تی‌هال، لوفور، گراهام و ماروین، باندز و پاتنام در قالب فرضیات تحقیق آزمون شدند که شاخص‌های هر یک از این متغیرها در جدول زیر آمده است:

جدول ۲. شاخص‌های هر یک از متغیرهای تحقیق براساس چارچوب نظری

متغیر وابسته	هویت محله‌ای	شناختن و شناخته شدن، تعلق گروهی / مکانی / تاریخی، عضویت در گروه، شباهت درون‌گروهی، تفاوت میان‌گروهی، باورها / ارزش‌ها / پنداشته‌ها
سرمایه اجتماعی	معاشرت، همکاری و مشارکت، پایداری شبکه روابط اجتماعی، اعتماد متقابل، پیاده‌روی و گردهم‌آیی در فضاهای عمومی، مبادله کالا به کالا (تئاتر)، عضویت در گروه	
متغیرهای مستقل	سبک زندگی	وضعیت پایگاهی، سلیقه، فرهنگ جمع‌گرایی / جمع‌گریزی، میزان استفاده از وسیله نقلیه
	فضای کالبدی	کیفیت فضاهای عمومی محله، ترکیب کاربری‌ها، کیفیت پیاده‌روهای محله، ویژگی‌های بصری
	اقتصادسرمایه‌داری معاصر	تولید ارزش‌افزوده در صنعت ساختمان، مدگرایی در معماری، تخریب و نوسازی پیش‌رس
	امنیت اجتماعی	اتلاف همسایگان، ترس، تردد غریبه‌ها، حضور کودکان در خیابان، استفاده مداوم از خیابان، تردد با وسیله نقلیه شخصی، سکونت در ساختمان‌های مرتفع، فقدان تنوع، تغییر کاربری، تغییر جمعیتی
	ارتباطات از راه دور	اینترنت، خریدهای الکترونیکی (غیرحضوری)، وسایل الکترونیکی (تلفن، بازی‌های کامپیوتری، تلویزیون / ماهواره)

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶

یافته‌های تحقیق

برخی ویژگی‌های فردی پاسخگویان در این تحقیق، شامل متغیرهای بعد خانوار، میزان تحصیلات و مدت سکونت بوده‌اند که توصیف آن‌ها در جدول زیر آورده شده است:

جدول ۳. پراکندگی پاسخ‌ها بر حسب مشخصات فردی

تحصیلات	بعد خانوار (نفر)	مدت سکونت (سال)
کمتر از ۲	۱۱/۹	
زیردیپلم	۸/۹	یک
دیپلم	۲۸/۸	یک تا ۳
لیسانس	۴۱/۱	۳ تا ۵
فوق‌لیسانس	۱۶/۵	۶ تا ۱۰
دکتری	۴/۷	۱۱ تا ۱۵
جمع	۱۰۰	۱۶ تا ۲۰
	جمع	بیشتر از ۲۰
	جمع	جمع

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶

بیشتر پاسخگویان دارای تحصیلات لیسانس بوده‌اند، خانواده‌های چهار نفره بیشترین فراوانی را در پاسخ‌ها داشتند و بیشترین مدت سکونت در طبقه بیشتر از ۲۰ سال تمرکز داشته است. هویت محله‌ای، متغیر وابسته این تحقیق است و متغیرهای سرمایه اجتماعی، سبک زندگی، کیفیت فضای کالبدی، اقتصاد سرمایه‌داری معاصر، امنیت اجتماعی و ارتباطات از راه دور، متغیرهای مستقل می‌باشند که در جدول زیر آمار توصیفی؛ پراکندگی پاسخ‌ها بر حسب هر یک از این متغیرها ارائه گردید:

جدول ۴. پراکندگی پاسخ‌ها بر حسب متغیرهای مستقل و وابسته

متغیر وابسته	هویت محله‌ای	سرمایه اجتماعی	سبک زندگی	کیفیت فضای کالبدی	اقتصاد سرمایه‌داری معاصر	امنیت اجتماعی	ارتباطات از راه دور
کم	۲۵/۲	۳۹/۳	۲۱/۱	۵۱/۸	۲۵/۷	۳۲/۳	۱۵/۹
متوسط	۴۵/۲	۱۹/۹	۵۱/۶	۳۲	۴۲/۱	۴۴/۵	۳۴/۵
زیاد	۱۹/۴	۷/۵	۲۲/۸	۴	۲۲/۶	۱۶/۳	۳۲/۳
خیلی زیاد	۵/۱	۰/۷	۱/۴	۰/۲	۵/۲	۱	۱۴/۲
جمع	۵/۱	۳۲/۷	۳/۱	۱۲	۴/۳	۶	۳/۱

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶

در متغیر هویت محله‌ای، تمرکز پاسخ‌ها در طبقه متوسط نشان می‌دهد که میزان هویت محله‌ای در میان پاسخگویان در حد متوسطی است. میانه نیز در همین طبقه از طیف قرار گرفته است و پاسخ‌ها را به دو بخش تقسیم می‌کند. ۴۵/۱ درصد از پاسخگویان معتقد بودند که هویت محله‌ای در حد متوسطی است و ۳۰/۳ درصد نیز میزان این متغیر را در حد کم و خیلی کم ارزیابی کرده‌اند. در متغیر سرمایه اجتماعی، ۳۹/۳ درصد از پاسخگویان بر این باورند که سرمایه اجتماعی در محله زندگیشان کم است. ۳۲/۷ درصد از پاسخگویان نیز میزان سرمایه اجتماعی را خیلی کم ارزیابی کرده‌اند که در مجموع ۷۲ درصد، سرمایه اجتماعی در محلات مورد مطالعه را کم و خیلی کم دانسته‌اند.

سبک زندگی در این تحقیق با محوریت جمع‌گرایی مورد سنجش قرار گرفته است. نتایج نشان داد که ۷۵/۴۸ درصد از ساکنان محلات نمونه در طیف متوسط و بیشتر گرایش به سبک زندگی محله‌گرا دارند. که میانه و نما نیز در طبقه متوسط قرار دارند. تمرکز پاسخ‌ها در متغیر کیفیت فضای کالبدی در طبقه کم قرار دارد و نشان می‌دهد که ساکنان محلات نمونه از خیابان‌ها، کوچه‌ها، پیاده‌روها، وضعیت حمل و نقل عمومی و سایر شاخص‌های این متغیر رضایت کافی را ندارند و تنها ۴/۲ درصد از پاسخگویان رضایت زیادی از کیفیت فضای کالبدی داشتند.

در متغیر میزان نفوذ اقتصاد سرمایه‌داری معاصر نما در طبقه متوسط قرار دارد؛ ۴۲/۱ درصد از پاسخگویان نفوذ و گسترش اقتصاد سرمایه‌داری در کیفیت زندگی محله‌ای را در حد متوسطی ارزیابی کرده‌اند. ۳۰ درصد از پاسخگویان نیز میزان نفوذ مولفه‌های اقتصاد سرمایه‌داری را در گرایش به زندگی محله‌ای در حد کم و خیلی کم دانسته و ۲۷/۸ درصد نیز میزان آن را زیاد و خیلی زیاد ارزیابی کردند که این پراکندگی نشان‌دهنده تفاوت در نگاه پاسخگویان به نمادهای سرمایه‌داری است. امنیت اجتماعی، یکی دیگر از متغیرهای مستقل این تحقیق است که ۳۸/۳ درصد از

پاسخگویان میزان این متغیر را کم و خیلی کم دانسته‌اند و ۴۴/۵ درصد از پاسخگویان نیز معتقد بودند که امنیت اجتماعی در حد متوسطی در محلات وجود دارد. نما و میانه در این متغیر، حد متوسط امنیت اجتماعی را نشان دادند. میزان استفاده از وسایل الکترونیکی و گسترش ارتباطات از راه دور در زندگی محله‌ای را زیاد و خیلی زیاد ارزیابی شده است؛ ۶۶/۵ درصد از پاسخگویان میزان این متغیر را زیاد و خیلی زیاد دانسته‌اند و نما که ۳۴/۵ درصد از پاسخ‌ها در آن تمرکز یافته‌اند، میزان متوسطی را نشان می‌دهد. بنابراین میزان استفاده از تکنولوژی ارتباطات از راه دور در حد متوسط و بالا قرار دارد. میانگین میزان هویت محله‌ای در هر یک از محلات در بازه ۱۱ تا ۵۵ در جدول زیر آورده شده است:

جدول ۵. میانگین متغیر هویت محله‌ای به تفکیک محلات

میانگین	تعداد پاسخ‌های معتبر	
۳۳/۱۴۲۹	۱۷۵	ولنجک
۳۵/۸۰۵۶	۳۶	حصارک
۳۱/۳۲۷۵	۲۱۷	وحیدیه

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶

میانگین متغیر هویت محله‌ای در سه محله ولنجک، وحیدیه و حصارک دارای میزان‌های متفاوتی است و نشان می‌دهد که مقایسه میانگین این متغیر در سه محله مورد مطالعه معنادار است. بالاترین میزان میانگین در هویت محله‌ای مربوط به محله حصارک و پایین‌ترین آن نیز به محله وحیدیه اختصاص پیدا کرده است.

جدول ۶. آزمون فرضیات تحقیق

سطح معناداری	ضریب پیرسون	تعداد پاسخگویان	
۰/۰۰۰	۰/۶۱۶	۴۲۸	سرمایه اجتماعی و هویت محله‌ای
۰/۰۰۰	۰/۴۰۶	۴۲۶	سبک زندگی و هویت محله‌ای
۰/۰۰۲	۰/۱۴۸	۴۲۵	کیفیت فضای کالبدی و هویت محله‌ای
۰/۰۲۴	-۰/۱۱۰	۴۲۰	اقتصاد سرمایه‌داری معاصرو هویت محله‌ای
۰/۰۰۰	۰/۱۹۸	۴۱۸	امنیت اجتماعی و هویت محله‌ای
۰/۳۴۴	-۰/۰۴۷	۴۱۵	ارتباطات از راه دور و هویت محله‌ای

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶

فرضیه اول: هویت محله‌ای و سرمایه اجتماعی در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارای رابطه‌ای معنادار می‌باشند، این رابطه که مستقیم و شدت بالایی دارد، بیانگر این نکته است که افزایش سرمایه اجتماعی به افزایش هویت محله‌ای می‌انجامد و کاهش آن نیز موجب کاهش هویت محله‌ای می‌شود.

فرضیه دوم: هویت محله‌ای و سبک زندگی محله‌گرا در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارای رابطه‌ای معنادار بودند. رابطه این دو متغیر مثبت و مستقیم و در حد متوسطی بود.

فرضیه سوم: کیفیت فضای کالبدی و هویت محله‌ای در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارای رابطه‌ای مستقیم است، اما شدت این رابطه ضعیف بود.

فرضیه چهارم: اقتصاد سرمایه‌داری معاصر و هویت محله‌ای در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه‌ای معنادار داشته‌اند که این رابطه، معکوس و با شدت ضعیف بود. بدین معنا که افزایش نفوذ سرمایه‌داری در محلات به کاهش هویت محله‌ای می‌انجامد و کاهش نفوذ سرمایه‌داری نیز باعث افزایش هویت محله‌ای می‌شود.

فرضیه پنجم: هویت محله‌ای و امنیت اجتماعی در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه‌ای معنادار داشتند که این رابطه، ضعیف و مستقیم بود. به این معنا که کاهش امنیت اجتماعی به کاهش هویت محله‌ای و افزایش آن موجب افزایش هویت محله‌ای می‌شود.

فرضیه ششم: ارتباطات از راه دور و هویت محله‌ای، در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معنادار ندارند. تحلیل رگرسیون چندمتغیره برای پیدا کردن متغیرهایی که توان تبیین تغییرات متغیر هویت محله‌ای را دارند به کار می‌رود. در گام اول از تحلیل رگرسیون، به دلیل معنادار بودن ضریب ثابت در سطح اطمینان ۹۵ درصد، معادله رگرسیونی هم بر اساس ضریب B و هم بر اساس ضریب بتا نوشته شده است.

جدول ۷. برازندگی مدل تحقیق

R	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل‌شده
۰/۷۴۳	۰/۵۵۲	۰/۵۳۶

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶

متغیرهایی که در مدل اولیه این تحقیق وجود داشتند، ۵۳/۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند و سایر عوامل خارج از مدل قرار دارد.

جدول ۸. متغیرهای مستقل تبیین‌کننده هویت محله‌ای

ضریب B	ضریب بتا	t	سطح معناداری
۱۵/۲۰۰	---	۴/۹۸۸	۰/۰۰۰
۰/۵۵۳	۰/۵۵۵	۱۲/۴۰۲	۰/۰۰۰
۰/۲۴۴	۰/۱۳۷	۳/۱۶۸	۰/۰۰۲
۰/۰۸۷	۰/۰۴۵	۱/۱۴۲	۰/۲۵۴
-۰/۳۳۰	-۰/۲۱۸	-۵/۲۳۸	۰/۰۰۰
۰/۱۰۳	۰/۰۷۲	۱/۶۲۱	۰/۱۰۶
-۰/۰۴۷	-۰/۰۳۵	-۰/۸۸۲	۰/۳۷۸

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶

از میان متغیرهای مستقل این تحقیق، سرمایه اجتماعی، سبک زندگی و اقتصاد سرمایه‌داری معاصر متغیرهایی بودند که توان تبیین متغیر وابسته را داشته و به صورت مستقیم بر هویت محله‌ای تاثیر گذاشته‌اند.

متغیر سرمایه اجتماعی بالاترین میزان بتا را به خود اختصاص داد و بیش از سایر متغیرها قدرت تبیین متغیر هویت محله‌ای را داشت که تاثیر آن برابر با ۰/۵۵۵ بود. متغیر سبک زندگی علاوه بر تاثیر مستقیم، به صورت غیرمستقیم روی هویت محله‌ای تاثیر داشت و میزان کل تاثیرات آن بر هویت محله‌ای، ۰/۴۷۰ بود. اقتصاد سرمایه‌داری معاصر هم با محاسبه تاثیرات مستقیم و غیرمستقیم، ۰/۲۳۹ متغیر هویت محله‌ای را تبیین کرد. متغیرهای ارتباطات از راه

دور با ۰/۱۲۲، امنیت اجتماعی با ۰/۱۴۷ و فضای کالبدی با ۰/۰۶۳، فقط به صورت غیرمستقیم بر هویت محله‌ای تبیین کرده‌اند.

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

نتایج تحلیل‌های آمار استنباطی تحقیق در آزمون فرضیه نشان می‌دهد، هویت محله‌ای و سرمایه اجتماعی در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارای رابطه‌ای معنادار می‌باشند، این رابطه که مستقیم و شدت بالایی دارد، بیانگر این نکته است که افزایش سرمایه اجتماعی به افزایش هویت محله‌ای منجر شده و کاهش آن نیز سبب کاهش هویت محله‌ای در حصارک، ولنجک و وحیدیه گردید. معاشرت با همسایگان، گردهمایی در خیابان‌ها و فضای عمومی، تهاتر، همکاری و اعتماد به همسایگان برای مراقبت از فرزندان از گویه‌های محوری سنجش سرمایه اجتماعی بوده‌اند. یافته‌های تحقیق متضمن آن است که در این سه محله، سرمایه اجتماعی بر پایه همکاری، اعتماد و ارزش‌های مشترک که جمیع کلمن بر روی آن تاکید کرد، حضور مداوم مردم در خیابان‌ها و فضاهای عمومی برای شکل‌گیری سرمایه‌ی اجتماعی که چپ‌من و جیکوبز در آرای خود بر روی آن‌ها صحنه گذاشتند و "تهاتر" به عنوان یک نیروی متعادل‌کننده در تحکیم روابط همسایگی که هاروی از آن سخن به میان آورد، بر شکل‌گیری هویت که تاجفل آن را احساس تعلق به گروه خودی دانسته و جنکینز از آن به عنوان وجود اشتراکاتی در باورها، پنداشته‌ها و انتظارات افراد که روح گروهی را تولید و بازتولید می‌کند و برآیند شناخت، تشابهات و تمایزات متقابل افراد و گروه‌های انسانی است، اثرات جدی گذاشته است. البته نباید فراموش کرد که اتومبیل‌انگونه که هاروی تشخیص می‌دهد باعث محرومیت از تماس با دیگران در این محلات گردیده و باعث کاهش سرمایه اجتماعی شده است. پاتنام اشاره می‌کند کاهش مشارکت مردم در شهر باعث کاهش سرمایه‌های اجتماعی شده و برای این مسئله احیای محله‌های شهری را مورد تاکید قرار می‌دهد. لذا برای احیاء و ارتقای هویت محله‌ای ایجاد بسترهای لازم برای افزایش مشارکت و همکاری مردم در محله‌های شهری یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است.

بر اساس یافته‌های تحقیق هویت محله‌ای و سبک زندگی محله‌گرا در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارای رابطه‌ای معنادار بودند. رابطه این دو متغیر مثبت و مستقیم و در حد متوسطی بود. علاقمندی به صمیمیت با همسایگان، ترک محله به منظور سفر، پذیرایی از مهمانان در فضای خارج از محله، استفاده از اتومبیل برای خرید به جای پیاده‌روی، جزو گویه‌های مهمی بودند که سبک زندگی را سنجیده‌اند. باومن بر این باور است که طبقه فرادست به محلی که در آن زندگی می‌کند، تعلق ندارند. دغدغه‌ها و دل‌مشغولی‌های آن‌ها در جای دیگری نهفته است و در عوض، طبقات فرودست محکوم هستند که محلی باقی بمانند و آرزوها، آمل و امیدهایشان را در محل زندگی خود جستجو کنند. وی با طرح این نظریه که آن را از ایده‌های مانوئل کاستلز تاسی بسته است، دو نوع سبک زندگی را به تصویر می‌کشد که یکی محله‌گرا و دیگری محله‌گریز است. تی‌هال نیز معتقد است در برخی از فرهنگ‌ها همجواری بر پایه پایگاه و وضعیت اجتماعی طرح‌ریزی می‌شود، بعضی از اقوام نیز با ترکیب پیچیده‌ای از فرهنگ‌ها، همبستگی نزدیک‌تری با هم دارند و محیط خارج از خانه را جایی برای برقراری روابط اجتماعی می‌دانند. لوفور سرمایه‌داری و

مدرنیته را موجب تغییر محل پذیرایی مهمانان از خانه به کافه می‌داند. ضریب $0/466$ پرسون در رابطه بین هویت محله و سبک زندگی نشان می‌دهد، مردم سه محله مورد مطالعه، به لحاظ خاستگاه فرهنگی، همبستگی نزدیک‌تری دارند و غالباً از مهمانان خود در خانه‌هایشان پذیرایی می‌کنند. قاطبه آن‌ها دلمشغولی‌هایشان در محل سکونت‌شان نهفته است، در جهانی که فضا و زمان به هم نزدیک شده‌اند، سیال نیستند، محکم در امور محلی خود متمرکز هستند و تشابهات و ترجیحات آن‌ها نیز تقریباً بهم نزدیک است. پرواضح است که اهالی ولنجک که فرادستان جامعه مورد مطالعه هستند، الزاماً آمال و آرزوهایشان را در محل سکونت خود جستجو نمی‌کنند و به مراتب قادرند در فراسوی مرزهای سیاسی به تفرج و گذران اوقات فراغت بپردازند. اما اهالی حصارک و وحیدیه مجبورند بیشتر ایام زندگی خود در محله سپری کنند و از این منظر است که خیابان‌های محله‌شان در مقابل خیابان‌های خالی از فعل و انفعالات انسانی ولنجک که جولان‌گاه اتومبیل است، همواره پر از کنش‌های جمعی و تحرکات انسانی است.

کیفیت فضای کالبدی و هویت محله‌ای در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارای رابطه‌ای مستقیم با شدت ضعیف بود. پاسخ‌گویان تاثیر کیفیت فضای کالبدی بر هویت محله‌ای را به میزان $0/148$ ارزیابی کرده‌اند. حجم ساختمان‌سازی طی ده سال اخیر، تبدیل خانه‌های مسکونی به فروشگاه‌های بزرگ، افزایش تعداد طبقات ساختمان‌ها، وجود مغازه در لابه لای ساختمان‌های مسکونی و پیاده‌روهای مناسب، گویه‌های مورد سنجش فضای کالبدی بوده‌اند. وجوه مهمی از نارضایتی پاسخگویان از فضای کالبدی، محصول فقدان شرایط مناسب برای پیاده‌روی و گردهمایی از نگاه اهالی این محلات است. آسمان‌خراش‌ها که طی سال‌های اخیر در تهران به ویژه در محله ولنجک ساخته شده‌اند، پیوند ساکنین با محله را بریده و اعتراض آن‌ها را برانگیخته است. در چارچوب نظری جیکوبز، ساختمان‌های بلند ولنجک و همچنین وحیدیه، ارتباط ساکنین با کوچه و خیابان را مخدوش ساخته است. جیکوبز، وجود پارک‌های عمومی را باعث ایجاد جاذبه‌های فراوان در محلات و تنوع بسیار در کاربری‌ها می‌داند. این در حالی است که وجود تنها یک پارک در محله وحیدیه، نقش فضای کالبدی در ارتقاء هویت این محله را به شدت تنزل داده است. به باور او محلات خیابانی جدا افتاده که با خیابان‌های دراز همراه‌اند، شکست‌خورده‌اند. خیابان‌های ولنجک با سیستم طراحی شبکه‌ای در امتداد شرقی- غربی، از مصادیق بارز این گونه خیابان است. جیکوبز همچنین می‌گوید، محلات پیشاپیش یکسان سازی شده دامنه خوب و پرباری از تنوع‌ها را به دست نخواهد داد و تراکم باید به تدریج و نه بصورت آشوب فاجعه‌بار و ناگهانی افزایش یابد. این در حالی است که ساختمان‌های غالباً پنج تا شش طبقه وحیدیه و ساختمان‌های بلندی که در بدنه خیابان‌های یکنواخت ولنجک ساخته شده‌اند، دامنه خوبی از تنوع را به دست نداده‌اند و با تبدیل شهر تهران به یک گارگاه ساختمانی در سال‌های اخیر آشوبی فاجعه‌بار را رقم زده‌اند. جیکوبز الگوهای شطرنجی را مورد انتقاد قرار می‌دهد و روش‌هایی را برای بی‌قاعدگی و گسیختگی بصری صحنه خیابان و نامنظم ساختن خیابان‌های شطرنجی پیشنهاد می‌کند. بر مبنای نظریه هال طراحی سیستم "ستاره‌های شعاعی"، گرایش به اجتماع‌دوستی و سیستم طراحی "شبکه‌ای"، گرایش به اجتماع‌گریزی دارند. به استثنای حصارک که واجد

طراحی سیستم شعاعی است، در ولنجک و وحیدیه، طراحی شهری سیستم شبکه‌ای، موجب کاهش تاثیر کیفیت فضای کالبدی در هویت محله‌ای ساکنین این محلات گردیده است.

اقتصاد سرمایه‌داری معاصر و هویت محله‌ای با سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه‌ای معنادار داشتند که این رابطه، معکوس و با شدت کم بود. بدین معنا که افزایش نفوذ سرمایه‌داری در محلات به کاهش هویت محله‌ای منجر شده و کاهش نفوذ اقتصاد سرمایه‌داری با محوریت اشاعه سوداگری صنعت ساختمان باعث افزایش هویت محله‌ای می‌شود. میزان ساخت و ساز در ده سال اخیر به خاطر افزایش قیمت زمین، افزایش تراکم ساختمانی، سوداگری بساز بفروش‌ها، گهنگی و از کار افتادگی ساختمان‌ها، عرضه اتومبیل‌های مدل جدید و تغییرات مد در معماری گویه‌هایی بودند که این متغیر را سنجیده‌اند. لوفور و هاروی تصریح می‌نماید، با کاهش مدار گردش ارزش اضافی در بخش صنعت، قسمتی از آن وارد شهرها شده و بصورت بورس‌بازی زمین، ساختمان و معاملات املاک متبلور می‌شوند. لذا گسترش اقتصاد سرمایه‌داری آنگونه که این نظریه‌پردازان به بسط آن همت گماشته‌اند، موجب کاهش هویت محله‌ای در محلات مورد مطالعه شده و یافته‌های تحقیق دیدگاه آن‌ها را تصدیق می‌نمایند. تخریب پیش‌رس ساختمان‌ها، قبل از کهنگی و از کارافتادگی که شالین به آن اشاره می‌کند و تخریب بناها در کلانشهرها نه صرفاً به خاطر یک احساس فرهنگی تجددخواهی و علاقه به ساختمان‌های جدید، بلکه یک عنوان یک کنش اقتصادی جهت دستیابی به ارزش افزوده که هاروی و لوفور به روی آن انگشت گذاشته‌اند، نیز تاثیر کاهنده اقتصاد سرمایه‌داری معاصر بر روی هویت محله‌ای را اثبات می‌نماید. فرهنگ ماشین و هجوم گسترده آن که شهر را استثمار و زندگی روزمره را تسخیر نموده است و تولیدات کارخانجات اتومبیل‌سازی با حفظ و گسترش تقاضای موثر، موجب افزایش تقاضا برای اتومبیل‌ها و نتیجتاً کاهش هویت محلات سه‌گانه گردیده که در چارچوب آرای لوفور و هاروی قابل تبیین است.

در سه محله مورد مطالعه، امنیت اجتماعی و هویت محله‌ای در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه‌ای معنادار داشتند که این رابطه، ضعیف و مستقیم بود. به این معنا که کاهش امنیت اجتماعی به کاهش هویت محله‌ای و افزایش آن موجب افزایش هویت محله‌ای شده است. جیکوبز می‌نویسد ترس مردم از خیابان موجب استفاده کمتر مردم از آن شده و این به نوبه خود خیابان‌ها را ناامن می‌کند. وی در این زمینه با مایکل باندز هم عقیده است که آرامش در خیابان‌ها و پیاده‌روهای شهر نه به وسیله پلیس بلکه توسط شبکه پیچیده و ناآگاهانه مردم به اجرا در می‌آید. گویه‌هایی چون، امنیت متأثر از حضور دائم مردم در فضاهای عمومی و خیابان، کاهش تخلف تحت تاثیر همبستگی و انسجام اهالی محله که با حضور آن‌ها در کوچه و خیابان بازتاب می‌یابد، سهمی هر چند ضعیف در ارتقاء میزان امنیت اجتماعی و تبیین آن بر هویت محله‌ای داشته است.

مردم سه محله مورد مطالعه اعتقاد داشتند، تاثیر اجازه به بچه‌ها برای بازی در کوچه و خیابان، ناامنی فضای اجتماعی محله به خاطر حضور افراد غریبه، امنیت ناشی از حضور دائم مردم در فضاهای عمومی و خیابان، بروز رفتار ناشایست ناشی از تغییرات جمعیتی و اضطراب متأثر از تغییرات کاربری زمین، ناامنی ناشی از رفت و آمد اتومبیل که گویه‌های مربوط به متغیر امنیت اجتماعی بودند، در سطح ضعیف با هویت محله ارتباط داشته و موجب

ارتقاء آن شده‌اند. به عبارتی یافته‌های محققانی چون جیکوبز مبنی بر اینکه فضاهای عمومی و بنگاه‌های اقتصادی نظیر مغازه‌ها، رستوران‌ها و کافه‌ها از راه‌های متفاوت و پیچیده در تقویت امنیت پیاده‌ها عمل می‌کنند و اینکه راه امن نگه داشتن خیابان‌ها، ترکیب دقیق و مداوم مردمی است که به علت‌های مختلف در خیابان حضور می‌یابند، رونق حیات اجتماعی پیاده‌راه‌ها و مردمی که یکدیگر را می‌شناسند، بصورت صمیمانه گردهم جمع می‌شوند و با شبکه‌ای از اعتماد عمومی، امنیت آن را تامین می‌کنند، به نوبه خود سهمی هر چند نازل در امنیت اجتماعی محلات نمونه داشته و هویت محله‌ای آن‌ها را ارتقاء داده‌اند. آزمون مدل نظری در یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که امنیت اجتماعی با تاثیر کل به میزان ۰/۱۴۷ از طریق متغیر سرمایه اجتماعی بصورت غیرمستقیم تغییرات هویت محله‌ای را تبیین می‌نماید. اما درباره رابطه گسترش ارتباطات از راه دور و هویت محله‌ای رابطه‌ای معنادار بین این دو متغیر در سطح اطمینان ۹۵ درصد وجود نداشت. استفاده از شبکه اینترنت، نقش تلفن در کاهش روابط چهره به چهره، نقش فیلم و بازیهای کامپیوتری در ممانعت از حضور در محله‌ها و نیز خرید تلفنی مایحتاج از جمله گویه‌های این متغیر بوده‌اند. گراهام و ماروین بر این باورند که اجتماعات مجازی قادر نیستند جایگزین روابط متقابل در قلمروهای عمومی اجتماعات شهری شوند و موجب از بین رفتن حوزه عمومی و حس محله‌گرایی خواهند شد و اضافه می‌کنند تلفن فضاهای دوردست را به هم گره زده و باعث انحلال گره‌های سفت و سخت محله‌های سنتی شده است. ولمن و دیگران با اشاره به تاثیرات دو پهلوی اینترنت، مدعی هستند، اینترنت برای آن‌هایی که روابط بادوامی دارند، وسیله تعقیب روابط اجتماعی است و برای کسانی که در آن غوطه‌ور می‌شوند به کاهش مشارکت منتج می‌شود. به نظر میرسد این دوگانگی در تاثیرات اینترنت و وسایل الکترونیکی، فرضیه رابطه اینترنت و ارتباطات از راه دور با هویت محله‌ای در محلات سه‌گانه را رد کرده است. به این معنی که عدم وجود رابطه بین هویت محله و گسترش ارتباطات از راه دور، فرض تاثیرات دو پهلو اینترنت و اینکه ارتباطات از راه دور در برخی محله‌ها بر هویت محله‌ای تاثیر مثبت داشته و در یک یا دو محله دیگر اثر منفی گذاشته و نهایتاً مجموع اثرات آن‌ها را محله‌های مورد مطالعه خنثی و بی‌اثر ساخته است، تقویت می‌نماید. شایان ذکر است آزمون مدل نظری تحلیل مسیر نشان می‌دهد، متغیر ارتباطات از راه دور به صورت غیرمستقیم به واسطه متغیرهای مستقل سبک زندگی، امنیت اجتماعی، فضای کالبدی و سرمایه اجتماعی تغییرات هویت محله‌ای را به میزان ۰/۱۲۲ تبیین می‌نماید.

منابع

- ایمری، راب، لیز، لورتا و راکو، مایک. (۱۳۹۰). نوسازی شهر لندن؛ حکمرانی، پایداری و اجتماع محوری در یک شهر جهانی. (مجتبی رفیعیان: مترجم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- اینگلهارت، رونالد. (۱۳۸۲). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی. (مریم وتر: مترجم). تهران: انتشارات کویر
- باندز، مایکل. (۱۳۹۴). نظریه اجتماعی شهر (شهر، خود و جامعه). (رحمت‌اله صدیق سروستانی: مترجم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- باومن، زیگموند. (۱۳۸۴). عشق سیال درباب ناپایداری پیوندهای انسانی (عرفان ثابتی، مترجم). تهران: انتشارات ققنوس
- براتی، ناصر و یزدان پناه شاه‌آبادی. (۱۳۹۰). بررسی ارتباط مفهومی سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی در محیط شهری. فصلنامه جامعه‌پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دوم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۰، صص ۲۵-۴۹

- پیران، پرویز (۱۳۸۴). هویت شهرها؛ غوغای بسیار برای مفهومی پیچیده. مجله آبادی. شماره ۴۸. پاییز ۱۳۸۴. صص ۸-۹
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱). هویت اجتماعی. (تورج یاراحمدی: مترجم). تهران: نشر پژوهش شیرازه
- جیکوبز، جین (۱۳۹۲). مرگ و زندگی شهرهای بزرگ امریکا. (حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی: مترجمان). تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- چپ‌من، دیوید. (۱۳۹۴). آفرینش محلات و مکان‌ها در محیط انسان‌ساخت. (شهرزاد فریادی و منوچهر طبیبیان: مترجمان). تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- ریتزر، جرج. (۱۳۸۷). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر. (محسن ثلاثی: مترجم). تهران: نشر علمی
- شالین، کلود (۱۳۷۲). دینامیک شهری یا پویایی شهرها. (اصغر نظریان: مترجم). تهران: انتشارات آستان قدس رضوی
- شوالباخ، گریت (۱۳۹۶). مفاهیم پایه در تحلیل شهری. (شادی عزیزی: مترجم). تهران: انتشارات فکر نو
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۳). پشت دریاها شهری است؛ فرایندها، روش‌ها و کاربردهای مردم‌نگاری شهری. تهران: انتشارات تپسا
- فوکویاما، فرانسیس. (۱۳۸۶). بررسی سرمایه اجتماعی و حفظ آن. (غلام‌عباس توسلی: مترجم). تهران: انتشارات حکایت قلم نوین
- فیلد، جان. (۱۳۹۲). سرمایه‌ی اجتماعی. (غلامرضا غفاری و حسین رضانی: مترجمان). تهران: انتشارات کویر
- قاسمی، وحید و نگینی، سمیه (۱۳۸۹). بررسی تاثیر بافت محلات بر هویت شهری، با تاکید بر هویت محله‌ای در شهر اصفهان. فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال ۲، شماره ۷، زمستان ۱۳۸۹، صص ۱۳۶-۱۱۳
- گافمن، اروینگ (۱۳۹۵). نمود خود در زندگی روزمره. (مسعود کیان پور: مترجم). تهران: نشر مرکز
- گراهام، استیون و ماروین، سیمون (۱۳۹۲). ارتباطات از راه دور؛ فضاهای الکترونیکی و مکان‌های شهری. (محمود شورجه: مترجم). تهران: انتشارات مدیران امروز
- محسنی، رضاعلی (۱۳۸۹). تحلیل جامعه‌شناختی امنیت اجتماعی و نقش آن در کاهش جرم و آسیب‌های اجتماعی. فصلنامه نظم و امنیت اجتماعی، شماره چهارم، سال دوم، زمستان ۱۳۸۸، صص ۱-۲۲
- هاروی، دیوید (۱۳۷۶). عدالت اجتماعی و شهر، (فرخ حسامیان و دیگران: مترجمان). تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری (وابسته به شهرداری تهران)
- هال، ادوارد. تی. (۱۳۹۳). بعد پنهان. (منوچهر طبیبیان: مترجم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- Abell, J., (2010) "Logos, Ethos, Pathos, and Ecos: Neighborhood Housing Design Research and Development" Metropolitan Universities Journal, Ed., Roger Munger, (Indianapolis, Indiana University-Purdue University (IUPUI), Volume 21, Issue 2, 41-57
- Robertson, Douglas James Smyth and Ian McIntosh, (2008), 'Social Identity', York: Services Ltd
- Tajfel, Henri. (1978). Differentiation between Social Groups: Studies in the Social Psychology of Intergroup Relation. Academic, London
- Talen, Emily and Julia Koschinsky. (2013). The Walkable Neighborhood: A Literature Review, International Journal of Sustainable Land Use and Urban Planning, International Journal of Sustainable Land Use and Urban Planning, Vol. 1 No. 1, pp. 42-63